

# تصحیح طنز

نگاهی به طنز در ادبیات داستانی کودک دهه هفتاد  
گروه سنی «الف»-«ب» و «ج»



الهه چیت سازی

طنز در لغت، به معنای افسوس کردن، مسخره کردن، طعنه زدن و بر کسی خندیدن، عیب کردن، سخن به رموز گفتن و... آمده است (فرهنگ معین و لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه طنز).  
انسان، حیوانی است که می‌خندد؛ این تعبیری است که مشائیان از انسان دارند. ارسطو می‌گوید: «از میان همه جانوران، تنها آدمیزاده است که می‌تواند بخندد.» لازمه خنده، دریافتی عمیق، فراحسی و عقلانی از رویدادهاست و تیزهوشی و قدرت درک پیچیدگی‌ها کلید آن است؛ خلاف برخی دیگر از رفتارهای آدمی که تنها عواطف و احساسات موجب آن است. انسان به‌طور ناگهانی میان واقعیت و حقیقت و بین آن‌چه هست و آنچه انتظار آن را دارد، تناقض می‌بیند و به خنده می‌افتد. (صدر، ۱۳۸۱، ص ۱)  
طنز از جمله قالب‌هایی است که هنرمند را قادر به گفتن تمامی آن چیزهایی می‌سازد که دیگران قادر به گفتن آن نیستند. طنز به همراه ابهام، جنبه‌های مضحک و غیرعادی زندگی را (که گاه واقعاً انسان را به خنده وا می‌دارد و گاه تولید خنده‌هایی می‌کند از سر درد که از اعماق وجود انسان نشأت گرفته‌اند) منعکس می‌سازد.  
طنز عبارت از روش ویژه‌ای در نویسندگی است که ضمن دادن تصویری هجوآمیز از جهات منفی و ناجور زندگی، معایب و مفساد جامعه و حقایق تلخ اجتماعی را به صورتی اغراق‌آمیز، یعنی زشت‌تر و بدترکیب‌تر از آن‌چه هست، نمایش می‌دهد تا صفات و مشخصات آن روشن‌تر و نمایان‌تر جلوه کند و تضاد عمیق وضع موجود با اندیشه در یک زندگی عالی و مألوف آشکار گردد. (اندوه‌جردی ۱۳۸۱، ص ۱۹)  
انسان در سیر تاریخ، هنر و ادبیات را از مرحله اسطوره آغاز کرده، به عصر استیلای طنز می‌رسد. (ضیمران، ۱۳۷۴، ص ۲۷) انسان مدرن از طریق نوشتار، کلمه و تصویر، پایه‌های واقعیت را بی‌ثبات می‌کند و آن را از درون متزلزل می‌سازد. (نعیمی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۳)

تمامی آن چه در مورد طنز، تعاریف گوناگون از آن و نظریه‌های مختلف ارائه شد، طنز را به صورت کلی در هر نوشته‌ای بدون مجزا کردن و تفاوت قائل شدن آن در ادبیات بزرگسال و ادبیات کودک بررسی کرده‌اند. حال ببینیم طنز در ادبیات کودک چیست؟ چه تفاوت‌هایی با طنز بزرگسال می‌تواند داشته باشد؟ آیا طرح طنز در داستان‌های کودکان ضرورتی دارد؟ و این که طنز به چه صورت‌هایی در قالب‌های ادبی کودک نمود می‌یابد؟ در این جا پس از ذکر نظریه‌ها و دیدگاه‌های نویسندگان طنزپرداز معاصر در عرصه ادبیات کودک، به بررسی انواع طنز و جایگاه آن در ادبیات داستانی کودک در دهه هفتاد پرداخته می‌شود.

### طنز بزرگسال، کودک و نوجوان از دیدگاه طنزپردازان معاصر ایران

منوچهر احترامی، با بیان این که شیوه‌های طنز در مورد کودک و نوجوان و بزرگسال یکسان است، می‌گوید: «الفبای طنز، الفبای مشخصی است با ویژگی‌های تعریف شده یا قابل تعریف که چندان قابل تغییر نیست. بنابراین، اگر تفاوتی بین طنز کودک و بزرگسال باشد، حتماً حاصل تجربه و درایت طنزنویس است که دنیای ذهنی کودک و نوجوان را می‌شناسد و آن چه را دستمایه کار خود قرار می‌دهد، چیزی است که آن‌ها آن را بیشتر درک می‌کنند و از آن لذت می‌برند.» (پدرام، ۱۳۸۳، ص ۱۱) خلاف عقیده احترامی، فرهاد حسن‌زاده، طنز گروه سنی کودک را حتی از طنز نوجوان نیز مجزا می‌داند و معتقد است: هر کدام از دو گروه سنی کودک و نوجوان، ویژگی‌های خاصی دارند که در تفکیک طنز این دو گروه باید به آن‌ها توجه کرد. حسن‌زاده معتقد است که هر گروه به ادبیات و طنز خاصی نیاز دارد. این طنزپرداز، در تفاوت طنز کودک و بزرگسال می‌گوید: «طنز کودک بیشتر در فضای فانتزی و خیالی شکل می‌گیرد، اما طنز بزرگسال بیشتر به واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی زندگی که گاه تلخ و سیاه نیز هست، پهلوی می‌زند. هم‌چنین در طنز کودک، به راحتی می‌توان به زمان و مکان‌های غیرممکن رفت و برگشت و با استفاده از شخصیت‌های حیوانی، خیالی و فانتزی، مسایل واقعی زندگی را بیان کرد. در حالی که در ادبیات بزرگسال، به ندرت چنین اتفاقی می‌افتد.» (همو، ص ۱۱)



پوپک صابری فومنی، سردبیر مجله بچه‌ها گل آقا، معتقد است که: ما طنز کودک نداریم. دنیای کودک کاملاً تخیلی و فانتزی است و کودک دنیای واقعی را به خوبی نمی‌شناسد. از این رو، متون نوشتاری کودک باید با فضای ذهنی آن‌ها هماهنگ باشد و ناخودآگاه کودکان را به سوی سادگی و شادی نزدیک کند. (همو، ص ۱۱)

امیر مهدی ژوله، طنزپرداز جوان معاصر، در مورد این تفاوت می‌گوید: «مرز مشخصی نمی‌توان بین طنز کودک، نوجوان و بزرگسال کشید. او معتقد است با وجود محدودیت‌های فعلی در عرصه طنز (که همه آن‌ها را غیرضروری می‌داند)، کودکان امروز، کودکان عصر کامپیوتر و اینترنت، حتی با مسایلی که مربوط به آن‌ها نیست هم آشنایی دارند و اعمال محدودیت از سوی بزرگ‌ترها بی‌فایده است. کودکان امروز با متر و معیارهای خاصی بزرگ می‌شوند. درک مطالب طنز قدیمی برای کودکان که در دنیای مدرن زندگی می‌کنند، دشوار است. شوخی یا دیگران از طریق وسایل مدرنی چون کامپیوتر، چت کردن، رسم کردن کاریکاتور و... برای آن‌ها جالب‌تر و جذاب‌تر است. از این رو، پرداختن به طنز و طنزپردازی برای کودکان امروز، مهارت‌های خاصی را می‌طلبد تا بتواند دید هنری مخاطبان (بچه‌ها) را تغییر دهد.» (همو، ص ۱۴)

به نظر نگارنده، تفاوت در اصل طنز در دو حیطه ادبیات بزرگسال و کودک وجود ندارد. تفاوت اصلی طنز در میان آثار این دو گروه، ناشی از تفاوت موجود در زبان، شخصیت‌ها، زمان و مکان‌های تخیلی و نحوه ساخت و پرداخت داستان طنزآمیز است. حتی از نظر موضوعی، گاه دیده می‌شود که نه تنها در میان طنز بزرگسال و کودک تفاوتی وجود ندارد، بلکه نویسنده برای انتقال اهداف مورد نظر خود، از ادبیات کودکانه برای بیان مفاهیم و موضوعات بزرگانه بهره می‌جوید. بنابراین، می‌توان با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص مخاطب (کودک و بزرگسال)، مفهوم کلی طنز را با شیوه‌های متفاوت در آثار مختلف منعکس ساخت.

### انواع طنز

در یک دسته‌بندی کلی، طنز را می‌توان براساس شیوه‌ها و ابزارهای ارائه آن به مخاطب، به دو دسته طنز نوشتاری و تصویری تقسیم کرد. طنز تصویری خود به دو نوع تقسیم می‌شود: ۱) طنز تصویری در نشریات و کتاب‌ها که در کاریکاتور یا در داستان‌های کمیک استریپ (داستان بدون متن) نمود می‌یابد. ۲) طنز تصویری نمایشی که در برنامه‌های تلویزیون، سینما و برنامه‌های کامپیوتری ساخته می‌شود. طنز نوشتاری نیز به دو نوع طنز منثور و منظوم تقسیم می‌شود.

- طنز کودک
- بیشتر در فضای فانتزی و خیالی شکل می‌گیرد، اما طنز بزرگسال بیشتر به واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی زندگی که گاه تلخ و سیاه نیز هست، پهلوی می‌زند.

از نگاه دیگر و در چارچوب همین تقسیم‌بندی، می‌توان انواع دیگری مثل طنز کلامی، موقعیت، مضمونی و شخصیت را برای طنز برشمرد. مجابی معتقد است که ساختار آثار طنزآمیز، بیشتر دارای سه جنبه است:

۱- طنز عبارتی ۲-طنز مضمونی ۳-طنز موقعیت

طنز عبارتی: شامل نکته یا لطیفه‌ای است که به صورت عبارتی کوتاه بیان می‌شود.

طنز مضمونی: مضمون، ساختار اثر را می‌سازد. اکثر داستان‌های منظوم و مثنوی ادب فارسی از این نوع است.

طنز موقعیت: این نوع از طنز متکی بر بازی‌های کلامی و حکایات نیشدار و قهقهه آمیز نیست،

بلکه روح طنز در اعماق معماری اثر پنهان است. (مجابی، ۱۳۸۳، ص ۱۸)

اکثر طنز‌نویسان بهترین نوع طنز برای کودکان را طنز موقعیت می‌دانند. در حالی که برخی از آن‌ها، طنز کلامی را به دلیل رک و صریح بودن در ارایه مطالب، بیش از طنز موقعیت در ایجاد جذابیت برای کودکان مؤثر می‌دانند.

به نظر نگارنده و با توجه به داستان‌های فکاهی و طنزدار دهه هفتاد، آنچه بیش از همه داستان را به طنز تبدیل می‌سازد، موقعیت‌های شاد و خنده‌آوری است که با حماقت‌های بیش از حد برخی قهرمانان داستان، ساده‌لوحی غیرقابل باور پاره‌ای دیگر و گاه بالعکس ذکاوت و سرعت عمل غیرواقعی قهرمان در برابر نیروهای بازدارنده، ساخته می‌شوند. البته کلام نیز در این راستا بی‌تأثیر نخواهد بود.

مثلاً در داستان‌های **کلاغه و الاغه**، **بز چاق**، (بازنویس زهره پریخ)، آنچه داستان را به طنز تبدیل می‌سازد موقعیت‌های خاصی است که با حماقت و نیرنگ‌های بز و الاغ و از طرف دیگر، هوش و ذکاوت کلاغ و صاحب بز به‌وجود می‌آید. اکثر داستان‌های واقع‌گرای معاصر که در قالب طنز آفریده می‌شوند، از نوع طنزهای موقعیت و کلامی هستند. شخصیت‌های اصلی این گونه داستان‌ها از زاویه دید کودک، مسایلی را مطرح می‌کنند که کودک را در آن موقعیت فرومی‌برند، اما طنز در داستان‌های برگرفته شده از ادبیات کهن (افسانه و قصه‌های عامیانه)، بیشتر در موقعیت و شخصیت‌های تمثیلی و نمادین ظاهر می‌شود که علاوه بر خنده‌دار ساختن فضای داستان، نویسنده را به اهداف اخلاقی، سیاسی و اجتماعی خود می‌رساند.



### کاربرد طنز

در وهله اول کاربرد طنز علاوه بر شادی، نشاط و خندانند است، اما ماهیت طنز با شادی و خنده متفاوت است. احمد عربانی در این باره می‌گوید: «طنز باید توأم با تفکر باشد. البته در طنز کودکان و نوجوانان، تفکر و نظریات سیاسی، اجتماعی، اعتقادی و... کم‌تر و بار فکاهی آن بیشتر است». این طنزپرداز با بیان این نکته که طنز کودک و نوجوان امروز افسارگسیخته شده است، می‌افزاید: «حتی می‌توان از سیاست هم در طنز کودکان و نوجوانان صحبت کرد؛ چون بچه‌ها در هر سنی که باشند باید با مسائل سیاسی کشور آشنا شوند.» (پدرام، ۱۳۸۳، ص ۱۸).

رضا براهنی در کتاب قصه‌نویسی، درباره هدف و کاربرد طنز می‌نویسد:

«هدف طنز عبارت است از رسیدن به خنده، از فوری‌ترین و کوتاه‌ترین راه. طنز با این قصد که اثر طنزآمیز باید بلافاصله پس از خواندن، تولید خنده کند و یا تولید حس خنده بکند، ساخته می‌شود. نویسنده طنز در آرامش تمام، دنیایی به وجود می‌آورد که هر جزئی از آن خنده‌دار است.» (براهنی، ۱۳۶۲، ص ۵۳۸).

طنزپردازان معاصر، درباره وجود طنز در ادبیات کودکان و نوجوانان معتقدند که تعداد کتاب‌های طنز کودک آن قدر کم است که می‌توان طنز را موضوع جدیدی در این عرصه به حساب آورد. شاید از دلایل آن بتوان به محدودیت‌های سنی کودک و نوجوان، به ویژه کودک، عدم بی‌توجهی نویسندگان به طنز و تصور اشتباه برخی از بزرگ‌ترها از واژه ظریف طنز اشاره کرد. در حالی که امروزه طنز را می‌توان یکی از بهترین شیوه‌های انتقاد و انتقال مفاهیم به کودک و بزرگسال دانست.

### طنز در داستان‌های دهه هفتاد

داستان‌های قدیمی کودک، بیش از داستان‌های معاصر، در قالب طنز به انعکاس این مقوله پرداخته‌اند. نویسندگان گذشته ادب فارسی، با استفاده از شخصیت‌های استعاری و نمادین، انسان و جامعه انسانی گذشته را در داستان به نمایش گذاشته، آثاری خلق می‌کنند که با داشتن دو لایه روساخت و ژرف ساخت، تعاملات میان نیروهای انسانی را منعکس می‌سازند.

به طور کلی داستان‌های بررسی شده دهه هفتاد را از لحاظ طنز و طنزپردازی به دو دسته می‌توان تقسیم کرد که عبارتند از:

- الف- داستان‌های سنتی (افسانه و قصه‌های عامیانه)
- ب- داستان‌های معاصر (فانتزی و داستان‌های واقع‌گرا)

### الف- داستان‌های سنتی

شرایط کلی حاکم بر قصه‌ها و افسانه‌های سنتی، براساس چهار رابطه زیر به‌وجود

می‌آید:

۱- اکثر این گونه قصه‌ها طنزآفرین هستند؛ زیرا قهرمانان بدون دلیل در فرصت‌های مناسب، یکدیگر را می‌فریبند و به تنها چیزی که می‌اندیشند، فریب دیگری است. مثلاً: «لاغ و بار نمک»، بازآفرین مهری ماهوتی، داستان روباه مکاری است که الاغی را فریب می‌دهد و او را با پنبه وارد رودخانه می‌کند و به دنبال آن ماجراهای خنده‌آوری برای کودک به‌وجود می‌آورد.

«افسانه کیسه روباه»، بازآفرین زهره پریخ، داستان روباهی است که مدت‌ها مردم را فریب می‌دهد و در پایان، در اثر درایت دیگران به سزای عمل خود می‌رسد. «افسانه کلاغه و روباه»، «روبه مکار»، «میمون و لاک‌پشت»، «میمون باهوش و تمام ساده» و... از این نوعند.

۲- گاهی در داستان‌ها موقعیت‌هایی به‌وجود می‌آید که قهرمان در آن به اشتباه می‌افتد یا دچار مشکل می‌شود و آن‌چه دارد، از کف می‌دهد. «بز چاق»، بازآفرین زهره پریخ، داستان بز تبیل و دروغ‌گویی است که بر اثر فریب دیگران، موقعیت خوب خود را نزد صاحبش از دست می‌دهد. «گرگ ساده‌دل»، «روبه و گفتار»، «پیرزن و روباه» و... از این گونه‌اند.

۳- گاهی نوع نقشه‌ای که قهرمان برای به دام انداختن نیروی فریبکار به کار می‌برد، حاوی طنز است. «قصه دوستی» داستان پیرزنی است که برای تنبیه کردن گربه، دم او را می‌کند و از این طریق، به فریبکاری‌های گربه پایان می‌بخشد. داستان‌های «نخودی»، «خروس دانا»، «کدو قلقله‌زن»، «باز و زاغ»، «روبه دروغگو»، «خرس دم‌کوتاه» و «پیرزن و روباه» از این گونه‌اند.

۴- تجسم یکی از قهرمان‌های قصه در وضعیتی غیرمعمول، ایجاد طنز می‌کند. مثلاً داستان «گربه‌ای با دم موش»، اثر شکوه قاسم‌نیا، داستان گربه‌ای است که به علت کنده شدن دمش، از دم موش به جای دم خود استفاده می‌کند و ماجراهای خنده‌دار داستان را به‌وجود می‌آورد. داستان‌های «مرد مهربان و مادر بدزبان»، «ببری که موش شد»، «گل بانو و قاطر چموش»، «الاغ و کلاغه»، «ابکش بدزبان» و «خروس گردو دزد» از این نوعند.

در قصه‌های عامیانه و فولکلور، اصولاً درایت و تیزهوشی نیروی ضعیف در برابر نیروی قوی، در داستان ایجاد طنز می‌کند و از این طریق نیروی قوی سرکوب می‌شود. مثلاً داستان «دو هندوانه و یک نزدبان»، بازآفرین زهره پریخ، داستان درایت مرد رعیت در برابر ظلم کخدای طماعی است که کنش‌های رعیت در برابر کدخدا، طنز داستان را می‌سازد.

«داستان کوزه‌ای پر از سکه طلا»، داستان مرد ثروتمند و طماعی است که مرد عاقل و زیرک همسایه‌اش، به علت طمع بیش از حد او (مرد ثروتمند)، تمامی سکه‌هایش را صاحب می‌شود و مرد ثروتمند را دست‌خالی روانه خانه‌اش می‌کند.

«کفش‌های مرد بازرگان»، داستان بازرگان ثروتمندی است که حاضر نمی‌شود کفش‌های کهنه خود را از دست بدهد. مردم با درایت خود، ماجراهای دردسراور، هیجان‌انگیز و خنده‌داری برای او به‌وجود می‌آورند که او را کلافه می‌سازد. سرانجام، بازرگان با التماس از قاضی، از دست دردسرها کفش کهنه خلاص می‌شود. «ملا نصرالدین»، «ماجراهای بهلول»، «درخت سخنگو»، «سلطان»، «پنیر و موش‌ها»، «ایوانی رو به جاده» و... از این دسته‌اند.

نکته قابل توجه در خصوص طنز در داستان‌های کودک، این است که داستان‌های طنزگونه در زمینه مشخصی که اکثراً اخلاقی، تعلیمی و اجتماعی است، تولید می‌شوند. تعداد داستان‌هایی که فقط و صرفاً با زمینه طنز آفریده شده‌اند، بسیار کم و اندک شمارند. هم‌چنین، داستان‌های طنزآمیز معمولاً داستان‌های پرماجرایی هستند که در قالب طنز بیان می‌شوند. در اصل طنز در ماجرا و حوادث داستان تبلور می‌یابد. به طور خلاصه این که در ادبیات کودک، هر داستان طنزی، داستان ماجرایی است، ولی هر داستان ماجرایی طنز نیست.



**اکثر طنزنویسان  
بهترین نوع طنز  
برای کودکان را  
طنز موقعیت  
می‌دانند.  
در حالی که  
برخی از آن‌ها،  
طنز کلامی را  
به دلیل رک و  
صریح بودن  
در ارایه مطالب،  
بیش از طنز  
موقعیت در ایجاد  
جذابیت برای  
کودکان  
مؤثر می‌دانند.**

## ب- داستان‌های معاصر (فانتزی و داستان‌های واقع‌گرای معاصر)

طنز در داستان‌های حیوانات تقریباً با همان شرایط کلی که در افسانه‌ها نمود می‌یابد، در فانتزی و داستان‌های تخیلی معاصر به چشم می‌خورد. مثلاً کتاب «فیل کوچولو، دماغت کوم»، اثر مینو امیرقاسمی، داستان فیلی است که دماغش کنده می‌شود و برای رفتن به مهمانی از دیگران می‌خواهد دماغ‌شان را به او قرض دهند که در پایان، کفش دوز دماغ فیل را می‌دوزد. در این داستان، قهرمان داستان در یک وضعیت غیرمعمول برای کودک تجسم می‌شود. داستان‌های «خرس سنی»، «ساز دهنی»، «اقیانوس کوچک» و «گربه دانا و گربه خودخواه» از نظر پرداخت طنز، تابعی از افسانه‌ها و داستان‌های قدیمی هستند که در رده فانتزی‌های تألیف شده در دهه هفتاد قرار می‌گیرند.

عدم وجود طنز در داستان‌های واقع‌گرای معاصر، گواه صادقی است در ادعای طنزپردازان معاصر. طنزپردازان کودک و نوجوان معتقدند که: طنز در ادبیات این دو گروه، با محدودیت‌های فراوان روبه‌روست است. در واقع به دلیل اعمال چنین محدودیت‌هایی از طرف طنزپرداز، هم‌چنین محدودیت‌هایی که ادبیات کودک و نوجوان، به دلیل سطح سواد و معلومات مخاطب دارد، طنز هم ویژگی‌های خاصی را به طنزپرداز تحمیل می‌کند و نتیجه این‌گونه می‌شود که بگوئیم طنز در عرصه ادبیات کودک و نوجوان، کم‌تر مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است.

در میان آثار بررسی شده دهه هفتاد، به مجموعه «دختری که زیاد می‌دانست»، «تصمیمات کبری» و «خواب‌های عجیب»، اثر محمد حمزه‌زاده، مجموعه «یادهای کودکی»، اثر نورا حق پرست، برخی داستان‌های مجموعه «شیرمال فروشی» اثر جواد نیسی، هم‌چنین مجموعه داستان «من و فکرهایم»، اثر ناصر کشاورز در گروه سنی الف، می‌توان اشاره کرد که در اصل همگی از نوعی طنز موقعیت در خلال داستان برخوردارند که آن‌ها را برای کودک جذاب و خواندنی می‌سازد.



## نتایج

همان‌طور که مشاهده می‌شود، طنز از جمله داستان‌هایی است که کم‌ترین تعداد را در سه گروه سنی داراست. کمبود طنز در آثار این دهه، صحت گفته‌های طنزنویسان را در خصوص عدم وجود طنز در داستان‌های کودک و نوجوان نشان می‌دهد. در میان ۳۳۲ عنوان کتاب بررسی شده در دهه هفتاد، در هر سه گروه سنی (شامل ۵۲۴ داستان)، در گروه سنی «الف» ۴/۶۹ درصد طنز، در گروه سنی «ب» ۴/۲۴ درصد و در گروه سنی «ج» ۲/۲۸ درصد طنز وجود دارد. طنز در دو گروه سنی «الف» و «ب» در داستان‌های تخیلی با شخصیت‌های جانوری نمود می‌یابد. در حالی که در گروه سنی «ج»، در داستان‌های واقعی با شخصیت‌های واقعی دیده می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت تمایل به واقعیت از طرف نویسنده و مخاطب (کودک)، در گروه سنی «ج» خود را در میان داستان‌های طنز نیز برجسته می‌سازد. پس توجه به ویژگی‌های سنی کودک را می‌توان یکی از ملاک‌های اصلی تمایز طنز در سه گروه سنی به شمار آورد. در پایان باید افزود که طنز و درونمایه‌های طنز آمیز، از جمله درونمایه‌های تپی و حذف شده در ادبیات دهه هفتاد محسوب می‌شود که کم‌تر مورد توجه نویسندگان کودک قرار گرفته است.

## منابع

- ۱ - بهزادی اندوهجردی، حسین: **طنز و طنزپردازی در ایران**، تهران، صندوق ۱۳۷۸
- ۲ - **طنز پردازان ایران از آغاز تا پایان دوره قاجار**، تهران، دستان ۱۳۸۲
- ۳ - پدرام، نگار: «حرف‌های طنز نویسان در مورد طنز کودکان»، **کتاب ماه کودک و نوجوان**، تهران، خانه کتاب، ش ۸۶ (آذر ۱۳۸۳)
- ۴ - دهخدا، علی اکبر: **فرهنگ لغت**، ذیل واژه طنز
- ۵ - صدر، رؤیا: **بیست سال با طنز**، تهران، هرمس ۱۳۸۱
- ۶ - صلاحی، عمران، **طنز آوران امروز ایران**، تهران، مروارید ۱۳۷۶
- ۷ - ضیمران، محمد: **درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر**، تهران ۱۳۷۴
- ۸ - مجابی، جواد: **نیشخند ایرانی**، تهران، روزنه ۱۳۸۳
- ۹ - نعیمی، زری: در باب اقتدار طنز پسامدرن، کتاب ماه کودک و نوجوان، ش ۸۶، آذر ۱۳۸۳